

۲۸

زندگی از دیدگاه عارفان



زندگی از دیدگاه عارفان

در این مقاله مباحث زیر را مطالعه می کنید:

معنای واقعی لذت بردن از زندگی

معرفت و شناخت چگونه آغاز می شود؟

عارفان کیستند، چگونه زندگی می کنند؟

عارفان چه ویژگی هایی دارند؟

بشر امروز به لحاظ علم، فلسفه، هنر و تکنولوژی، بسیار پیشرفت کرده است ولی به لحاظ معنوی و عرفان بسیار عقب است. در حالی که نیاز به معنویت و عرفان از نیازهای عمده و مهم بشر است که این نیاز در او مغفول مانده است و عمده درد ها و آلام روحی و روانی بشر امروز، بخاطر دور ماندن از این نیاز فطری اوست. به اعتقاد ما، عرفان اسلامی عالی ترین روش، علم یا جهان بینی (خداجویی) است و حقیقت آن برآمده از متن اسلام است که در دامن فرهنگ اسلامی، رشد و تکامل پیدا کرده است. عارف کسی است که خداوند خود را بر او بنمایاند و حالاتی برای او ظاهر گردد که معرف حال اوست.

معنای واقعی لذت بردن از زندگی

وقتی که به سطح بالاتری از زندگی شخصی و اجتماعی خود نگاه می‌کنیم می‌بینیم که میوه ارزشمند خودشکوفایی، معنویتی شگفت‌انگیز است. ما انسان‌ها، بدن‌بال‌چنین معنویتی در زندگی خود هستیم تا بتوانیم در کنار همه دستاوردهای خود، از زندگی واقعا لذت ببریم. معنویتی که در سایه خودشکوفایی تکنولوژی فکر بدست آمده است.

قدرت و توان آدمی شگفت‌انگیز است و انسان با شکوفایی خود می‌تواند به چنین قدرتی برسد. خیلی از انسان‌ها در تاریکی ذهن زندگی می‌کنند و ذهن منور و روشنی ندارند و از زندگی خود لذتی نمی‌برند ولو همه چیز داشته باشند. خوشبخت‌ترین انسانها در زندگی، عارفان هستند. اگر معیار زندگی خوب این باشد که نهایت بهره‌برداری و لذت را از زندگی ببریم، می‌توانیم برای رسیدن به چنین لذتی مسیر معرفت و کمال را تجربه کنیم.

معرفت و شناخت چگونه آغاز می‌شود؟

بزرگترین مشکل بشر نادانی اوست و ریشه تمام مشکلات بشر جهل اوست. جهل به خود، به خدا، به معنویت و به زندگی و نجات در معرفت است. معرفت و شناخت از سؤال آغاز می‌شود، لذا سؤال، سرآغاز دانایی و معرفت بشر است. سؤالاتی از این قبیل: من کیستم؟ من چیستم؟ من از کجا آمده‌ام؟ من در این دنیا چه می‌کنم؟ من به کجا می‌روم؟

بشر از خود سؤال می‌کند: زندگی چیست؟ وجود چیست؟ عدم چیست؟ آیا همه وجودها از عدم آمده‌اند؟ علم چیست؟ هنر چیست؟ عشق چیست؟ آیا موضوعاتی هست که خرد ما از فهمش ناتوان باشد و هیچ‌گاه نتوان درباره آن‌ها شناخت یقینی داشت؟ من از زندگی چه می‌خواهم؟ رسالت من در زندگی چیست؟ چگونه رسالت خود را در زندگی می‌توانم به منصفه ظهور برسانم؟ چراغ، راهنمای بشر است، خود شکوفایی و خود مدیریت انسان که نوید رشد و کمال را می‌دهد، اقتضا می‌کند که همزمان با رشد در همه عرصه‌های شخصیتی، به رشد در عرصه‌های الهی و معنوی هم نگاه کنیم.

لذا می‌خواهیم مقوله خودشکوفایی و خودمدیریتی را از نگاه بالاتری بررسی کنیم و ببینیم که ابعاد و عرصه‌های خودشکوفایی چیست و در عرصه‌های الهی و معنوی چقدر برای رشد و متعالی شدن فرصت داریم؟ در این راستا از خود سؤال کنیم که بهترین نوع و سبک زندگی که برای من می‌تواند مقدور باشد چیست به گونه‌ای که من واقعا بتوانم از مواهب الهی در این جهان استفاده کنم و از لحظه‌های زندگی خود در آرامش کامل و احساس رضایت، لذت ببرم.

برای بشر بهترین نوع زندگی که می‌تواند اتفاق بیفتد چیست؟ این سؤال در تاریخ بشر هزاران سال است که مطرح بوده است ولی متاسفانه بسیاری از انسان‌ها در وادی گمراهی و سرگردانی خود، نه چنین سؤالی را از خود کرده‌اند و نه پاسخ درستی شنیده‌اند.

عارفان کیستند، چگونه زندگی می‌کنند؟

می‌خواهیم سری به دنیای عارفان بزنیم و ببینیم که عارفان کیستند، چگونه زندگی می‌کنند و چرا آنها در دنیایی از سکینه و آرامش، نهایت لذت را از زندگی خود می‌برند و اینکه آنها چگونه به چنین مقامی رسیده‌اند؟

مقالات

اگر شما تحقیقات مفصلی در علم و فلسفه، کارآفرینی، هنر، روانشناسی، فیزیک و تمامی علم‌ها و تجربه‌های بشر انجام دهید خواهید یافت که به راستی سعادت‌مندترین انسان‌ها در وادی زندگی، عرفا بوده‌اند نه لزوماً سرمایه‌داران، نه دانشمندان، نه هنرپیشگان و ستارگان، و سیاستمداران مطرح جهان. عرفای واقعی، بهترین انسان‌هایی بوده‌اند که روی کره زمین زندگی می‌کرده‌اند که ارمغان بشریت بوده‌اند و به سعادت واقعی در دنیا و آخرت رسیده‌اند، چنین انسان‌هایی لزوماً افراد معروف و مشهوری نبوده‌اند و چه بسا کاملاً گمنام زندگی کردند و رفتند. به راستی این انسان‌ها از زندگی خود و از این دنیا چه گرفتند و رفتند؟

انتخاب عرفان، عشق و معنویت، بدون شک می‌تواند بهترین راه حل این معما باشد اما عرفا کیستند و چگونه زندگی می‌کنند و چگونه از زندگی خود نهایت آرامش و لذت را می‌برند؟

وقتی سخن از عرفان و مردان خدا پیش می آید شما بلافاصله آن را برای خود دست نیافتنی می پندارید، در حالی که آن هنگام که شما از خود سؤال می کنید که من کیستم، از کجا آمده ام، در این دنیا چه می کنم و در نهایت به کجا می روم شما قدم در مسیر معرفت و کمال گذاشته اید، حداقل قضیه این است که شما هم می توانید در اطراف و اکناف این موضوع زیبا و جذاب که در راستای فطرت و نیاز بشر است مطالعه و تحقیق کنید و قدم به چنین دنیای ناشناخته بشر بگذارید.

خنده دار است که در فرهنگ و آموزه های ما همیشه وقتی از شما سؤال می شود که دوست دارید در نهایت چه کاره شوید و به کجا برسید، هیچ کس به ما نگفته است که می توانیم انسان عارفی شویم، حتی خیلی از انسان ها جرات ندارند از عرفان و معرفت سخنی بگویند و حتی به آن فکر کنند زیرا آن را منطقه ممنوعه ای می دانند که تنها افراد خاصی که صلاحیت دارند اجازه دارند از عرفان سخن بگویند.

امروز می خواهیم به شما پیشنهاد کنیم که در رویاها و چشم انداز های خود ببینید که شما هم چگونه در مسیر عشق الهی، معرفت و عرفان گام بر می دارید و چقدر از نزدیک شدن خاص به خداوند احساس آرامش و لذت می کنید.

ولی آگاه باشید که گام نهادن در این مسیر زیبایی الهی کار ساده ای نیست و مراتب خودسازی و کمال انسانی را می طلبد ولی بدانید که سفری بسیار شگفت انگیز و روحیه بخش و آرامش آفرین است. با اینکه هزاران سال است که معرفت و شناخت و عرفان، گم شده بشر است و بوده اند انسان هایی که گام در این سفر الهی و انسانی نهاده اند لکن راز های این سفر لذت بخش را کسی بر ملا نکرده است.

عارفان

لذا خیلی ها فکر می کنند قدم گذاشتن در مسیر عرفان و کمال با دنیای مدرن امروز منافات دارد و عرفا فقط در زمان های قدیم بوده اند البته که این یک تفکر غلط است و ناشی از این است که مفاهیم عرفان و کمال را درنیافته اند. عارف شدن نوعی استادی در مسیر کمال است که شخص عارف، زیباترین و واقعی ترین شناخت و معرفت را نسبت به خدای مهربان بدست آورده است همان مفهومی که دیگران به دلیل نادانی و کج فهمی از آن بی بهره مانده اند و هرگز نتوانسته اند لذت حضور بی فاصله در محضر خداوند را احساس کنند.

زیباترین لذت عارفان، لذت حضور در محضر حضرت دوست است که آنها همه دنیا را محضر خداوند رحمان و مهربان می دانند و لذا به هر جا و به هر کس که می نگرند رخ یار را می بینند و غرق در لذت می شوند، این نگاه عارفان، به عرصه های این دنیاست.

وقتی که یک انسان عارفی را ملاقات می کنید فقط به ظاهر او نگاه نکنید اگر چه نگاهش آرامش بخش و متین است، بلکه بدانید که تمام لذت این انسان در درون زیبایی اوست که سال ها روی خود کار کرده است و خود را به معنای واقعی شکوفا نموده است. بدانید که ما هرگز سنگ عرفان های غیر واقعی و یا عرفان های هندی و سرخ پوستی و حتی عرفان های غربی را به سینه نمی زنیم در حالی که خودمان زیباترین فرهنگ عرفانی و معنوی الهی و اسلامی را با بهترین الگوها و نمونه ها مثل علی و فاطمه (ع) داریم.

وقتی که به یک انسان عارفی برخورد می کنید، آنچنان در او سکینه و آرامش می بینید که اگرچه در میان همین مردم زندگی می کند ولی تو گویی که از اهل این مردم نیست. او نگران مسائل دنیایی و مادی خود نیست اگرچه از آنها هم بی بهره نیست ولی غم این دنیا را ندارد، نهایت توکل بر خدا را دارد و در کنار او و آغوش او هر دم لذت می برد.

عارفان مصداق بارز انسانیت انسانند. آنها بدون ریا و تظاهر، در درون، پاک و منزّه و صادقند، عالمند، عاشقند و مؤمنان راستین اند. آنان دردانه های خدای مهربانند و یک پارچه عشق و مهربانی هستند. آنها واقعیت های زندگی را به خوبی درک می کنند و عمیقاً از جریانات جهان هستی و قانونمندی های آن الهام گرفته اند و با اسرار ماوراءالطبیعه آشنا شده اند و نگرش و نگاه عمیقی به جریانات زندگی مردم دارند.

آنها اصل پذیرش را به معنای واقعی کلمه درک کرده اند و تسلیم رضای خدا هستند و شرایطی را که نمی توانند کنترل کنند و تغییر دهند می پذیرند و تلاش می کنند تا شرایط موجود را به شرایط مطلوب تبدیل کنند. مردم در دنیای شلوغ امروز از انسانیت انسانی خودشان دور افتاده اند و از خود بیگانه اند. تنها راه نجات بشر تکنولوژی زده و گرفتار، همانا روی آوردن به مفاهیم لطیف و زیبای عرفان الهی و اسلامی است. این زیبا ترین راه برای نجات از هرگونه از خود بیگانگی، افسردگی، پوچی و بی هدفی و در یک

عارفان

عارفان چه ویژگی هایی دارند؟

عارفان به راستی چه ویژگی هایی دارند و اخلاق و مرام آنها چگونه است؟ زیباترین خصلت عارفان، تعهد به نفس حقیقت، آگاهی، نیکی و عشق است. این ویژگی ها در وجود یک انسان عارف نهادینه شده است و ناگسستنی است. تمام توجه عارفان به دنیای درون آنهاست که مبادا تحول بزرگی که در شخصیت و روح و روان آنها شکل گرفته است خسارتی ببیند. نگاه عارفان از درون به بیرون است و تمام توجهشان به دنیای درونشان است تا از این رهگذر دنیای بیرون خود را بسازند و رستگار شوند. عارفان به ظاهر انسان های معمولی هستند که مثل بقیه مردم زندگی می کنند، اما اگر کمی با آنها حشر و نشر کنید می بینید که آنها چه دنیای زیبایی در درون خود دارند و چقدر آرام و عاشقند.

عارفان، میان بری برای خلق یک زندگی سحرآمیز و شگفت انگیز برای انسان هاست، همان انسان هایی که ضمن شکوفایی خود با اسرار پشت پرده خلقت هم آشنا شده اند و آنها را در دنیای خود پیاده کرده اند و از زندگی خود یک شاهکار ساخته اند. انسان های عارف، افراد فقیری نیستند، بلکه آنها با اجرای درست قانونمندی های جهان هستی، نه تنها توانسته اند به یک روشنایی ذهن و دل برسند، بلکه بازتاب چنین زیبایی های درونشان، آنها را خلاق کرده و توانسته اند به شرایط خوب مالی و سایر امکانات زندگی برسند.

فکر نکنید که انسان های عارف افراد خشک و بی احساسی هستند که صرفاً فقط یک سری تئوری های عارفانه و معرفتی را یاد گرفته اند و با دنیای بیرون و انسان ها بیگانه اند و احتمالاً خود را برتر از مردم می دانند و در لاک خود زندگی می کنند، هرگز این گونه نیست. عارفان در متن جامعه و در میان مردم، عاشقانه و مهربانانه زندگی می کنند و همراه مردمند و برای دیگران الگو و معلم اند و تنها به نجات مردم و به فلاح و رستگاری مردم فکر می کنند و سعی می کنند برای آنها معلمی باشند که راه درست زندگی را به آنها نشان دهند.

عارفان یک مشت انسان های به ظاهر روشن فکر مآبی نیستند که بخواهند مردم را به مدینه فاضله ببرند و با یک مشت شعارهای تهی مردم را به قیام دعوت کنند، آنها اهل درایت و منطق هستند و مسیر تعالی و کمال را به همراه دیگران قدم به قدم طی می کنند تا جامعه زیبایی بسازند، تمام دنیای یک انسان عارف در تفکر عمیقش خلاصه می شود که آنها مرتب در هر موردی تفکری عمیق و جهانی می کنند و هر اصل و موضوعی را در جهان هستی ارزیابی می کنند و آن را مصنوع خدای لایزال و مهربان می بینند و غرق تعجب و تحیر می شوند!

عارفان

از دیگر مشخصه های یک انسان عارف، عشق بلا منازع و بدون شرطی است که به خود، به خدا و به همه جهان هستی و کائنات خدا نثار می کنند و لذا عارف، مترادف است با عاشق مهربان، مقوله عرفان، صنگاه عارفان و عاشقان خدا به این است که چگونه این نوع روشنایی دل و این بصیرت را به انسان های دیگر هم منتقل کنند به گونه ای که آنها هم لذت عشق الهی را درک کنند و بتوانند در نهایت عشق و مهربانی، از زندگی خود لذت ببرند.

خلاصه مقاله

سعادت مند ترین انسان ها در وادی زندگی، عرفا بوده اند نه لزوماً، سرمایه داران، نه دانشمندان، نه هنرپیشگان و ستارگان و سیاستمداران مطرح جهان. عرفای واقعی، بهترین انسان هایی بوده اند که روی کره زمین زندگی می کرده اند که ارمغان بشریت بوده اند و به سعادت واقعی در دنیا و آخرت رسیده اند. انسان های عارف افراد خشک و بی احساسی نیستند که صرفاً فقط یک سری تئوری های عارفانه و معرفتی را یاد گرفته اند و با دنیای بیرون و انسان ها بیگانه باشند. عارفان در متن جامعه و در میان مردم، عاشقانه و مهربانانه زندگی می کنند و همراه مردمند.